

فرا تر از خبر

آیا ایران دیگر کشور تالاب‌ها نیست؟

رادیو فردا

کمتر از یک دقیقه پیش



نمایی از تالاب فصلی «آق‌گل» در استان همدان

ایران که روزی به دلیل داشتن تالاب‌های وسیع و گوناگون در جهان شهرت داشت و نقش مهمی نیز در تصویب کنوانسیون حفاظت از تالاب‌های مهم بین‌المللی موسوم به «کنوانسیون رامسر» ایفا کرده، اکنون با بحران وخیم تالاب‌هایش روبه‌روست.

شینا انصاری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران، روز ۹ شهریور در بجنورد با اشاره به بحران تالاب ملی «آق‌قشلاق» در این منطقه، آمار تازه‌ای در این زمینه ارائه و اعلام کرد که «هفتاد درصد» تالاب‌های ایران با مشکل کم‌آبی مواجه‌اند.

او گفت: «امسال تاحدودی به دلیل بارش‌های خوبی که اتفاق افتاده و اقداماتی که در استان‌ها انجام شده وضعیت تالاب‌ها نسبت به سال گذشته بهتر شده، اما هنوز با مشکل مواجه هستیم».

به گفته رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، «محدودیت‌های جدی آب» در سال‌های اخیر سبب شده تا تالاب‌ها حقایق‌ای را که باید دریافت می‌کردند، نکرده‌اند. این در حالی است که انصاری تاکید کرد: «در اسناد بالادستی آمده که بعد از آب شرب پرداخت حقایق در اولویت دوم قرار دارد».

اظهارات این مقام بلندپایه دولتی را نمی‌توان صرفاً یک هشدار اداری دیگر درباره وضعیت محیط زیست دانست، زیرا ایران اکنون با مسئله‌ای روبه‌روست که از مرزهای محیط زیست عبور کرده و خشک شدن تالاب‌ها به معنای تغییر شکل اقتصاد محلی، افزایش گردوغبار، از دست رفتن زیستگاه‌ها و در نهایت، جابه‌جایی جمعیت است.

ایران چند تالاب دارد؟

بر اساس اظهارات مقامات دولتی، ایران ۲۷ تالاب با اهمیت بین‌المللی در کنوانسیون رامسر ثبت کرده که مجموع مساحت آن‌ها حدود ۱.۵ میلیون هکتار است.

آخرین تالاب ثبت‌شده ایران، تالاب «گندمان» در استان چهارمحال و بختیاری است و دولت قصد دارد دو تالاب دیگر به مجموعه تالاب‌های بین‌المللی کشور اضافه کند.

با توجه به این‌که حدود «۴۰ درصد تنوع زیستی» در تالاب‌ها قرار دارد و این مکان‌های طبیعی نقش حیاتی در حفظ تنوع زیستی ایفا می‌کنند، ثبت بین‌المللی تالاب‌ها در شرایط مساعد می‌تواند حساسیت‌ها را نسبت به حفاظت و حراست از آن‌ها بالا ببرد.

به غیر از تالاب‌های بین‌المللی، در فهرست آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۱ «قانون حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌های کشور»، از بیش از ۱۴۰ تالاب نام برده شده است.

اما آمارهای جدید نشان می‌دهد که با وجود ثبت این تالاب‌ها، آن‌ها در معرض خطر قرار دارند و بسیاری از این پهنه‌ها که در مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور قرار گرفته‌اند، به دلیل تغییرات اقلیمی و برداشت آب بسیار آسیب‌پذیرند.

روزی روزگاری دریاچه و تالاب هامون



چه عواملی باعث تخریب تالاب‌ها شده است؟

نیک آهنگ کوثر، کارشناس مسائل آب، درباره مهم‌ترین عواملی که در چند دهه اخیر باعث تخریب و از بین رفتن تالاب‌های ایران شده‌اند، به رادیو فردا می‌گوید: «به‌طور کلی، تالاب‌ها در طول چند دهه اخیر با وضعیت بسیار ناگواری مواجه شده‌اند. از یک طرف، حقایق تالاب‌ها از سوی جمهوری اسلامی نقض شده است؛ برای استفاده‌های مختلفی که از منابع آب صورت گرفته و از طرف دیگر، گرم‌تر شدن هوا میزان تبخیر را افزایش داده است».

او همچنین به «دخالت‌های انسانی» برای تبدیل محدوده‌های حاشیه تالاب‌ها به زمین‌های کشاورزی یا ملکی اشاره می‌کند که باعث شده است آسیب‌های بسیار زیادی به این منابع مهم زیستی وارد شود.

با این حال، بنا بر ارزیابی کارشناسان، مشکلاتی که برای تالاب‌ها ایجاد شده، عموماً یکسان نیست. آقای کوثر می‌گوید که از یک طرف، تالاب‌ها در محدوده دریای مازندران با پایین آمدن سطح دریا مواجه‌اند و از سوی دیگر، در دیگر تالاب‌ها حقایق آن‌ها گرفته می‌شود.

او می‌گوید: «به‌عنوان مثال، تالاب "هامون" که مجموعه چهار تالابی بود که وقتی به هم می‌پیوستند یک دریاچه بزرگ را تشکیل می‌دادند، اکنون با کاهش میزان آب از سمت افغانستان مواجه شده و به یک بیابان تبدیل شده است. یا در مورد "جازموریان"، با سدی که در محدوده جیرفت زده شد و با انتقال آبی که از همان منبع به مناطق شمال کرمان صورت می‌گیرد، این مجموعه محیط‌زیستی مهم اکنون در حال از بین رفتن است».

این کارشناس مسائل آب با اشاره به تالاب «پیشان» در استان فارس، از «کاهش سطح آب زیرزمینی» به عنوان عاملی دیگر اشاره می‌کند: «در آن محدوده، به‌دلیل چاه‌های فراوانی که زده شده، باعث شده تعادل میان آب زیرزمینی و تالاب تا حد زیادی از بین برود و این تالاب هم تقریباً به نقطه پایانی خودش نزدیک شود».

آیا بحران تالاب‌ها قابل مدیریت است؟

تالاب «هورالعظیم» نیز که یکی از مهم‌ترین تالاب‌های ایران است، وضعیت چندان مساعدی ندارد. در طول چند سال گذشته، نرسیدن آب از سمت ایران، یعنی رودخانه کرخه، موجب به خطر افتادن این تالاب شده است. آقای کوثر می‌گوید دخالت‌های انسانی که برای استخراج نفت و گاز در آن‌جا صورت گرفت، نیز باعث شد که شرایط زیست مردمان مناطق شرق و جنوب شرق هورالعظیم، به‌دلیل گرد و خاک بسیار زیاد، بدتر شود.

با این حال، برخی امیدوارند که بتوان تالاب‌های ایران را احیا کرد. اما با توجه به شرایط مدیریت دولتی، مسائل محیط‌زیستی و شرایط اقلیمی جدید، این کار شدنی است؟

کوثر تأکید می‌کند: «به نظر می‌رسد این احیا نتواند تالاب‌ها را به نقطه اولیه‌شان برساند اما می‌توان تا حدی این تالاب‌ها را مدیریت کرد».

او می‌افزاید: مسئله اصلی این است که بتوان حقایق طبیعی تالاب‌ها را تضمین و تأمین کرد: «با توجه به نوع مدیریت و حکمرانی آب در جمهوری اسلامی، که بی‌توجه به حقوق محیط‌زیست است، تا زمانی که تغییر مهمی در طرز فکر حکمرانان و مدیران آب صورت نگیرد، نمی‌توان انتظار داشت وضعیت تالاب‌ها بهتر شود».

بیشتر در این باره:

عضو فرهنگستان علوم: ایران و یونان بیشترین تالاب‌های در معرض انقراض را در جهان دارند



چرا بحران تالاب‌ها فراتر از بحران زیست‌محیطی است؟

اولین تاثیر بحران تالاب‌ها، مشکلات زیست‌محیطی است، اما با تداوم این بحران، ابعاد آن وسیع‌تر شده است.

کوثر می‌گوید: «تالاب‌ها به دلیل تأثیری که بر هوای اطراف خود دارند و می‌توانند باعث خنک شدن آن مناطق شوند، نبودشان شرایط زیستی را برای مردمان مناطق اطراف بسیار دشوارتر می‌کند. کم‌اینکه اگر بادهای صدوبیست‌روزه سیستان با گذر از روی هامون می‌توانستند فضای خنک‌تری برای مردمان آن منطقه ایجاد کنند، اکنون در نبود آن تالاب، وضعیت بسیار سخت‌تر است».

بنا بر ارزیابی این کارشناس حوزه محیط زیست، اگر بخواهیم روند تغییرات مساحت، عمق و شرایط زیستی تالاب‌ها را در طول ۵۰ سال اخیر بررسی کنیم، شرایط «در حال حرکت به سمت نابودی آن‌ها» است: «آن هم در کشوری که حرف جدی در ارتباط با تالاب‌ها داشت و کنوانسیون بین‌المللی تالاب‌ها به نام رامسر در آن ثبت شده است».

آنچه در ایران در حال رخ دادن است، مجموعه‌ای از بحران‌های جدا از هم نیست. «میانکاله» به خزر وابسته است، «هامون» به هیرمند و روابط آبی ایران و افغانستان، و تالاب‌های مرکزی به رودخانه‌هایی که آب آن‌ها پیش از رسیدن به مقصد، برای شرب، کشاورزی یا صنعت مصرف شده است.

همه این موارد، نشان می‌دهد که مرز میان بحران‌های محیط زیستی با بحران‌های دیپلماتیک، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از بین رفته است و نجات تالاب‌های ایران نه صرفاً وظیفه سازمان حفاظت از محیط زیست، بلکه پروژه‌ای چندوجهی برای حفظ چند طبیعت ایران و در نهایت زندگی ساکنان کشور است.

کوثر با ابراز تاسف از این وضعیت، هشدار می‌دهد: «آیندگان خواهند پرسید که چگونه جمهوری اسلامی و کسانی که در محدوده تالاب‌ها می‌توانستند به حفظ آن‌ها کمک کنند، این منابع مهم زیستی را در گذر چند دهه به بیابان تبدیل کردند».

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

محیط زیست

بایگانی